108-

عَدَرَان به هورات يك روتاي حير التورين ي تورين ي تورين على وداك در آن: الله مجريد راسي عا الاا F-Y مجموع، يال عد الركزان. هويال |E| = m, 1/2, 2/2 €V J = 1 (2/2)/2/2 2

v. {v, v2, v3, v4, v5} $E = \{(v_1, v_4), (v_1, v_5), (v_4, v_5), (v_1, v_2), (v_3, v_4)\}$

ا صطلاح ضمسا ميرون ، الأرزلا حسانة الذ من أنها يال بالله

المراه الله الماسان عامى اله الهادي الله المراه المراه المالية المالية

d(vi):3 d(vi): الله المخطب عادة

قصنیه (۱۷) عافی عویال مرامردره، در الس سرمرد، اس سرمرد، الس سرمرد، الس

نسِّم * تئداد رأس على با دره متود، درج اس.

قصنیه در عرکراف در رأس با درج برابر دارد. ایا ۱۰ مراسی درجه عا ما ۱۰ دلی در ۱۰ ماهم می تواند باشند!

کست (tail); د نباله ای از رأسی معارگران به هورت علاد سر در می از این به از ارعون ، (روان و می ایس است .

 $V_4, V_1, V_4, V_5, V_4, V_1, V_2$ Volling Volling.

کزر (الماله ۱۷ : کشت بدن یال تکراری این یا در المولاد کار این المالی این المالی این المالی این المالی این الم را را س کاری ک

مسير: كشى كەرأىسى تارارى ندارى نالە يال كارى م

ودر: مسرى كدرأس ابتادانها يك دارد بهر درار ويور با

مدار : کشتی که رأس ابتداد انتخابلها دارد.

طوقة (Cop): بالي كدوك كما الله

ن بسراد اسما بلسا دارد.	_

طوقه (المحمل): يالى كدوكريكيان دارد 🗨 🛮

، مال مدانی: مال علی بین «درأس تابت.

کوانساره ، طرقه د بال مواهی خارد

كلف عيش الرانيك سي محود والسي أل كم مروجود والتناف

مؤلفه عبيدى: هو كوات نا عرينه از نازارى مؤلة عبيدى تشكيل شروع

رأس بورجى به رأى كه فأحذت آن تشداد مؤلفهاى هيندى را زيار كند،

يال بورځي: يالي آ. م م م م م م م

کراف مکتل: رأس عای عون ایل عابی که دمنود مداره توی اصلی توی این هست. م

ا الحا + | الحا = (٢)

كون كال : غير يال عارداره . G

△: درج بيينية

8: درج، كنينه

زىركران : مسع زىرمجوى از رأس عنا وزىرمجود مال عار سين ها رأس

زيركراف التابي ، بركرات با تمام يال عاى بين عيان والرمس

ا - [i][i] كاربين نالارزلا على وجود داكسة باك.

ب بیماره سین گران ۱ ما نتریس مجادرات (۱ ما نتریس مجادرات

را (n) Σ است هسایه عامرانسی ۲ ×

*جهث دار لزماً متعامن میت .

پر است علی اور اس کا در در داره یا فرد اس کا در در داره یا فرد اس کا در در داره یا فرد اس کا در اس کار در اس کا در اس کار در

